

گاهنامه ادبی

شکوه و آرزو



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، واحد رشت
معاونت دانشجویی و فرهنگی

سال یکم / شماره چهارم / ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

*مهر یلدایی استاد مهری آتیه

* یلدا ؛ برآمدن امید در سایه ی تاریکی

* یلدا از نگاه اساتید

* یلدا در آینه ی دانشجو

ویژه نامه
شب یلدا (۱۷)
«۳۰ آذر»





گاهنامه ادبی شکوه واژه ها

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و دانشجویی



سخن دبیر :

در گذر تاریخ، ادبیات، زبانی مشترک، برای انسان ها بوده و به داشته های فرهنگی یک جامعه، اعتبار و ارزش می دهد.

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت در راستای ارتقا جایگاه ادبیات و ارج نهادن به آن، در صدد معرفی و نشر آثار فاخر در این صفحه می باشد.

امید آنکه بتوانیم در راستای این هدف والا و ارزشمند، قدمی به راستی برداشته و مورد توجه شما مخاطبان فرهیخته قرار گیرد.

سپیده ساجدی
دبیر کانون شعر و ادب موسسه
مدیر مسئول گاهنامه ادبی
شکوه واژه ها



شناسنامه

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی و فرهنگی
مدیر مسئول: سپیده ساجدی
زیر نظر شورای سردبیری
طراح صفحات و گرافیک: سروناز رحیمی دانش



فهرست

- ۱) مهریلدالی استاد مهری آتیه صفحه ۱
- ۲) یلدا، برآمدن امید در سیه تاریکی صفحه ۲-۳
- ۳) یلدا از نگاه اساتید صفحه ۴-۶
- ۴) یلدا در آینه ی دانشجو صفحه ۷-۹



۰۱۳-۳۳۴۴۸۹۹۴-۷

www.jdrasht.ac.ir



رشت، بلوار لاکان، میدان ولایت،
مجتمع آموزشی-پژوهشی جهاد دانشگاهی گیلان



مهر یلدایی استاد مهری آتیه

استاد عباس مهری آتیه

با سپاس و قدر دانی از جناب آقای مهری آتیه گرامی کارشناس ادبی صدا و سیمای گیلان
بابت همراهی و لطف بی بدیل شان در متن های ویژه یلدا در نشریه ادبی شکوه واژه ها
و حضور ارزشمندشان در ضبط ویژه برنامه یلدایی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
سلامتی و شادکامی ایشان را از خداوند منان خواستاریم.



گلستان بی فروغ

کسی که یاد گرفته فروغ کس نشود
به دور شهد گلستان ، دمی مگس نشود

کسی که یاد گرفته انار سرخ شود
به شاخه های کجتاب ، دسترس نشود

کسی که یاد گرفته فرو رود در خود
اسیرواره ی یک کام بلهوس نشود

و خواسته ست که چون مهره های چرتکه ای
به یک اشاره ی انگشت ، پیش و پس نشود

کسی که خواسته در یک تولد دیگر
به غیر شعر ، به اغیار ، همنفس نشود

کسی که شاخه دوانده که میوه بار شود
ولی به تیغه ی تیز هوس ، هرس نشود

درخت میوه ی سبزی به طعم گس باشد
ولی تفاله نگردیده؛ خارو خس نشود

چراغ روشن ایوان کوچکش باشد
زالال و تازه، چوبانگی بدون خش باشد

عباس- مهری- آتیه





آیین یلدا در گیلان یلدا؛ برآمدن امید در سایه ی تاریکی

دکتر مرتضی حیدرزاده، مدرس دانشگاه



مردم شرق آسیا، انقلاب زمستانی شان را با مراسم دونگ ژی جشن می گیرند. مراسمی که در میان ژاپنی ها، چینی ها، کره ای ها و مردم فیلیپین و تایلند و ویتنام، یکی از مهم ترین مراسم آیینی به حساب می آید و از غروب روز آخر پاییز شروع می شود. خانواده ها در این روز دور هم جمع می شوند و غذایی به اسم تانگ یوآن و کوفته برنجی می خورند؛ غذاهایی که در فرهنگ شرق آسیایی ها، نماد همبستگی و اتحاد خانواده دانسته می شوند.

واژه یلدا به معنای زایش و تولد است. ایرانیان باستان با این باور که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر می شوند و تابش نور ایزدی افزونی می یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا زایش خورشید می خواندند و برای آن جشن بزرگی برپا می کردند و از این رو به دهمین ماه سال دی (به معنای روز) می گفتند که ماه تولد خورشید بود.

بی شک، چنین واقعه ی منحصر بفردی، می بایست در دیگر فرهنگ ها بازخورد و آیین های مرسوم خودش را داشته باشد. و متناسب با موقعیت جغرافیایی، قومیت، تقیدات مذهبی و باور های جمعی هر پهنه ی جغرافیایی، مراسم خاصی در سایه ی بلند ترین شب سال برگزار شود.

از منظر من زیباترین بخش یلدا، پیوندی پنهان و یا آشکاری ست که بین جوامع مختلف به ظهور می رسد، ارتباط بین جوامع مختلف همیشه و مداوم در گذر تاریخ وجود داشته و در گذار زمان فرهنگ ها، رسوم یک مجموعه آرام آرام در جامعه و یا فرهنگ دیگر رسوخ و نفوذ پیدا می نماید و نکته ی جالب تر آنکه پس از ورود یک اندیشه یا یک رسم در جامعه ای دیگر، رنگ و بوی تازه و متفاوتی به خود می گیرد و در قالب باورهای آن قوم یا جامعه رنگ آمیزی شده و مرسوم می گردد.

دکتر اسدی، جامعه شناس در سخنی با موضوع هویت و انسجام ملی در گروی آیین های کهن عنوان می کند خرده فرهنگ ها می توانند در یک گروه بزرگتر منسجم می شوند. به طور مثال در کشور ایران، قومیت های مختلف نظیر گُرد، لر و بلوچ در گروهی بزرگتر و با هویت ایرانی، با یکدیگر پیوند می یابند و در کنار تفاوت های قومیتی شان، از طریق آیین های ملی نظیر یلدا و نیز رسم و آیین های مذهبی، هویتی یکسان می یابند.

محمد بشرا در کتاب جشن ها و آیین مردم گیلان؛ مراسم و نحوه ی برگزاری یلدا را تشریح نموده ((شب چله در گیلان، آغاز پرشگون شب نشینی های مردم در طول زمستان بود که تا نزدیکی روزهای نوروزی ادامه می یافت. در آن سال های بی سرگرمی، گردهم آمدن و از یاد و یادگارهای گذشته گفتن، تنها مکتبخانه بی ریب و ریای انتقال فرهنگ بومی از یک نسل به نسل های دیگر بود.

خوردن هفت نوع میوه پاییزی و زمستانی از رسوم قدیمی شب چله بود که هنوز مردم به آن باور دارند. برترین این میوه ها، به، سیب، خوج و کونوس بود. شام یلدا را بدون گوشت و از سبزی می پختند؛ و چقدر سازگار و همبسته با شرایط زندگی روزانه بود! اگر ماهی فراهم می شد خورشید سبزی بدون گوشت با ماهی و پلو را بر هر غذای دیگر ترجیح می دادند. پختن نان محلی از آرد برنج هم در این شب متداول بود به خصوص اگر شب یلدا به شب نشینی تبدیل می شد. گالش ها اعتقاد داشتند که در شب چله چهار نوع خوراکی باید بخورند. خوردن هر نوع کونوس را باعث مقاومت بدنشان در برابر سرمای زمستان می دانستند.





آیین یلدا در گیلان یلدا؛ برآمدن امید در سایه ی تاریکی



دکتر مرتضی حیدرزاده، مدرس دانشگاه

برنج برشته را همراه با کشمش سیاه شاهانی بسیار دوست می داشتند و خوردنش را سبب شیرینی زندگی خانوادگی می پنداشتند. فال هندوانه از جمله جذابیت های این شب بود. وسط هندوانه را به خطی که گرداگردش می کشیدند مشخص می کردند. بعد چشم دختر یا پسر دم بختی را می بستند و هندوانه را چند دور در مجمعه می گرداندند. کارد را به دست چشم بسته می دادند تا هندوانه را دو نیم کند. اگر درست از جایی که خط کشیده شده بود هندوانه را می برید نشان عادی بودن هوای زمستان و به خوبی گذشتن فصل سرد سال بود. قصه گویی و نقل حکایت تا پاسی از شب ادامه می یافت و به امید داشتن زمستانی آرام همگی از یکدیگر خداحافظی می کردند.

ماهیت و چگونگی برگزاری مراسم، نقل ها، بازی ها و ... در شب یلدا تعریف شده و بی شک نمایه ای از زیبایی فرهنگ مردمان کرانه های جنوبی دریای کاسپین می باشد.

به غیر از باورهای انگاشته شده، رصد منطقی چرایی شکل گیری مرسومات در طول تاریخ بوده است. بیکاری اکثریت مردمان کشاورز در پاییز و زمستان، طولانی تر شدن ساعات شبانه و سرد شدن هوا از مهمترین دلایلی ست که می تواند بهانه ای برای دوره هم نشینی ها باشد.

از سویی دیگر شب یلدا، آغاز سقوط شب در طول زمستان و مسیر حرکت به سوی روزهای طولانی تر و آمدن بهار و آغاز امید به سالی بهتر برای کشاورزان و دامداران است.

آنچه مشهود و روشن است، پیروزی بر تیرگی، امید به فردایی دور اما نویدگر آمدن روشنائی و شاید زندگی بهتر در سایه آرزوها و اهدافی که هر سال به سال دیگر موکول می شود. آرزوی محصول بیشتر، عشق به دختر همسایه و آرزوی تشکیل خانواده، تشکیل خانواده، داشتن زمینی برای کار، که در سایه ی کسب محصول مرغوب و توانمندی مالی محقق می شد از مجموعه عواملی ست که یلدا را در عین آنکه بلند ترین شب سال است، فرصتی برای تصمیمی تازه، آغاز تلاشی نو، امید و زندگی سرشار می کند.

از این منظر می توان گفت، وقوع یک اتفاق طبیعی خاص و در آمیختن آن با زندگی مردمان می تواند سبب آفرینش رسم و آئینی متفاوت در هر گوشه ای از کره زمین گردد. پایان قدرت تاریکی و سرآغاز امید و آمدن روشنائی.





یلدا از نگاه اساتید



به نام ایزد یکتا

سخت و تنگ است پاییز، که
شکوه بلندترین شب خود
را خالصانه پیشکش تولد
زمستان کرد...

یلدا یادآور بلندترین شب
سال و فرصتی بیشتر برای
مهربانی ها و دوستی ها .

صمیمانه ترین تبریک ها
خدمت دوستان ،
همکاران و دانشجویان
گرامی .

زمستانتان سفید و سلامت...
یلدا مبارک...

دکتر مجتبی کاسی نرگسی
مدیر گروه حقوق

یلدا

امتداد عاطفه ای
در ذهن عاشقانه ی مردم
یعنی امتدادشبی هر چند
طولانی،
ولی گرم از احساس بشری
مردمانی جان شیفته و
عاشق
شبی که آن سویش صبحی
ست
اگرچه ناامیدی هایش،
عمیق - ولی آرزو
هست، امید هست و عشق...
و عشق هست

یلدا یعنی زمانی
سالخورده ولی جوان، که
به هر حال هست،
یلدا یعنی تولد تو و من
,

یلدا یعنی تولد مادرمان
زمین، یلدا یعنی امیدمان
فقط به خداست

دکتر حمیدرضا سموری
مدیر گروه مدیریت و حسابداری

در آستانه ی دی
بی خورشید چشمانت
شب هایم
همیشه یلدای ست
سیاه و سرد
باتو
یخ هر سکوتی می شکند
تا نغمه هایت را
بهار
نت بنویسد
زیبا
زیباتر از همیشه
بخند
سالهاست
به این می اندیشم
در پس آن همه، تشویش
لبخند چگونه شکل بگیرد
شاید...
زمستانی سخت در پیش باشد،
پس بیا
با همدلی،
هم آوایی و
اراده ای آتشین
بر بلندای این شب،
یخبندان این زمستانِ سرد را بشکنیم.

رضا زحمتکش
مدیر گروه عمران و نقشه برداری موسسه
آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت



یلدا از نگاه اساتید



رسم خوشایند زندگی
در شبی بلند به نام یلدا
معنای با هم بودن را جانی تازه می بخشد.
آنچه باقی می ماند مهر است و دوستی....
یلدا مبارک

#دکتر مینو خاکپور
#مدیر گروه معماری و هنر



آه اگر چنگالِ طوفان، پیر دریا را بگیرد
آه اگر نفرین دریا دامن ما را بگیرد
پیچش زنجیره ی امواج یعنی رزم طوفان
موج کوبان می رود کرجی مالا را بگیرد
شب شب گستاخ و گردنکش شب دشنام ساحل
پرسه می زد شب که خواب چشم درنا را بگیرد
کومه ها آستن سیلی موج و دود و هیمة
یک نفر شلاق را از حضرت دریا بگیرد
خواب، افعی بود و می چرخید در چشمان مالا
نیش می زد تا از او حظ تماشا را بگیرد
موج آمد تا که رنج شاه ماهی را نبیند
مرد پارو زد که ماهی های زیبا را بگیرد
موج غرق بوسه بازی چون پلنگ بیشه ی آب
پنجه بر شب می کشد تا ماه یلدا را بگیرد
شب دراز و زورقی در نقره ی مهتاب غرق است
کو پری تا دست زورق بان تنها را بگیرد

#پونه نیکوی
#مدیر آموزش کوتاه مدت تخصصی جهاد دانشگاهی انزلی



یلدا شاید استعاره ای از پیروزی نور بر
اهریمن تاریکی و ظلمت باشد. به قول
شیخ اجل سعدی: «هنوز با همه دردم
امید درمان است
که آخری بود آخر شبان یلدا را»

#دکتر فاطمه قنبری
#مدیر گروه تحصیلات تکمیلی



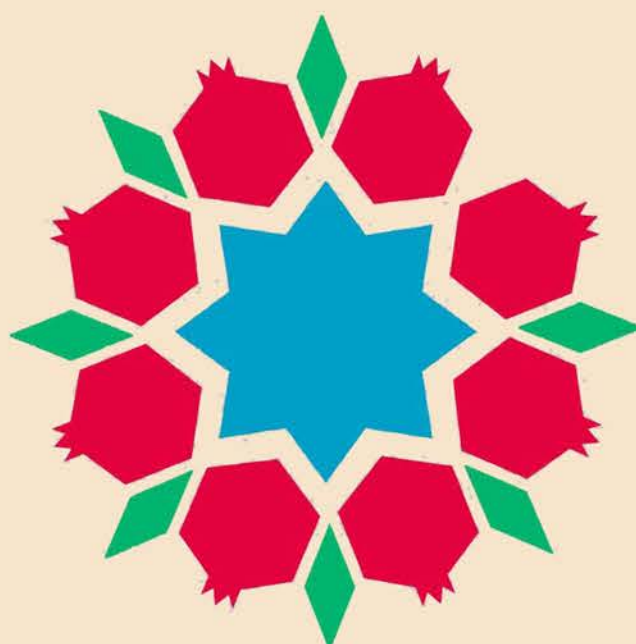
پاییز نماد عشقی ست
در انتظار معشوق
در آذری
به رنگارنگی رنگین کمانی
دراردیبهشتی سبز
این انتظار نیست
عشقی ست
که مهری آمد
تا ازمرز آبان گذشت
تا به آذربرسد و
رنگین کمان بهاری را
زرد کند
در انتظار یلدایی
زیبا
تا بیاید و
عشق
او را کامل کند
با گونه هایی سرخ و
دامنی گلدار و رنگ رنگ

#عظمت رمضانپور
#استاد دانشگاه



چه زیبا می شود تداعی
یلدا در روزهای سخت و
طاقت فرسای زندگی و اینکه
باور داشته باشیم به
دنبال شبی بلند، سپیده دم
امید است.
یلدا تان مبارک چون در
بلندای آن می توانید از
باهم بودن در کنار عزیزان
تان لذت ببرید و امید
رسیدن به فردایی روشن را
در دل هایتان پیورانید.
یلدا مبارک

#کبری زاهد دوست
#استاد دانشگاه





یلدا از نگاه اساتید



یلدای بی شائبه دوست داشتنی
سلام
یلداجان! لبخندت همیشه برقرار
امسال متفاوت تر آمدی!
هر لحظه ات پر خاطره
هر لحظه ی خاطرات مشترک مان
پر شکوه باد.
خاطراتی خوش، که به شکوه در ذهنم
مرور می شود
دلر روشن است که مانده همه سالیان
پیشین، شب های باتو به سر بردن
شیرین است..
اجاق خاطرات را روشن بگذاریم تا
دچار سردی فاصله ها نشویم
زمستان تان سفید و سلامت
یلدا تان مبارک

#الهام اسلامی
#معلم، مدیر اجرایی ریاضیات آسان

خورشیدی که ثابت کردی
حتی طولانی ترین شب ها نیز با اولین تیغهی
درخشان نور به پایان می رسد، حتی اگر شبی
به بلندای شبانه ی یلدا باشد....
پس بیدار باشیم و امیدوار، برای بروودت
نهفته در روح مان خورشیدی در راه است
خورشیدی پر از درخشش امید
خورشیدی پر از نور
پر از شور
خورشیدی پر از سرور

#امین پور جدی
#استاد دانشگاه

آنگاه که طولانی شدن غیبت خورشید، تاریکی و
یاس بر شهر سایه می اندازد
به انتظار دمیدن پرتو پگاه و زایش مهر
می نشینیم و فرصتی می سازد برای شریک شدن
دقایق و رویا پردازی نامحدود برای فردایی بهتر
و ابراز عشق به و علاقه به کسانی که بیشتر از
همه دوستشان داریم.

امسال در حالی به استقبال شب یلدا می رویم
که کرونا در شهر سایه افکنده و کوچه پس
کوچه های شهر را یاس و سردی فرا گرفته، اما به
یاد داشته باشید که ماهیت یلدا "امید" است
امید به زایش مهر..
باشد که قلب و خانه شما مملو از امید و
شادی های یلدایی شود.
یلدا مبارک

#رضا عباسپور
#استاد دانشگاه

یلدا همچون نگینی ست در سال
همچون ماه نورانی در دل
سیاهی شب
و چه خوب که در این شب زیبا
با کلام اندیشمندان و بزرگان
سال مان را درخشان کنیم.
یلدا مبارک

#مهسا رضازاده
#استاد دانشگاه





یلدا در آینه ی دانشجو



به مانند این دانه های انار
به پایان رسید این خزان از قرار
به لطف خدا و کمی فاصله
بسی زنده ماندیم در روزگار
خدایا قسم بر زمستان تو
به این فصل سرد و کمی نابه کار
به این روز های عجیب و غریب
به این سرفه های پر از انتشار
به این مردمان پر از مهر تو
به این عاشقان کمی توبه کار
به این وامداران تو در زمین
به این ماسک داران هی بد بیار
پناهیم بده از شب تار و سرد
رهایم کن از این همه انتظار
پیوشان تو ما را ز هرچه که هست
خلاصم کن از درد دنباله دار
بزن ماسک را بر دل مردمان
نزن آب را بر من بی گدار
بگیر از همه این غرور خراب
نکن این خوشی را دقیقه شمار
"خدایا چنان کن سرانجام کار"
بیویم در جمع فامیل انار

#امیر حسین فروزان
*حکیم نظامی گنجوی



ابری گریست و
اشکی
بربرگی سرخ افتاد
بی امان
قصه ی خود را خواند!
قطره ای داغ
از گوشه ی چشمی افتاد
برگ ها
عاقبت تلخ سقوطی دارند!
برگ ها
خصلت پاییزی شان
ریختن است
در خزان رنگین
یلدا مبارک
#بهزاد رضایی

یلدا تون مبارک
#محمد اقدامی



اشک هایم را دانه کرده ام!
و در ظرف بند
خورده ی شعر هایم
یا قوت سرخ می ریزم .
امشب ..
از یلدای چشمانم
ثانیه های عشق را
فالی خوش
خواهم گرفت
#سینا یوسف نیا



پاییز !
دل پرتلاطم را آرام کن
بادها
خبر از آمدن مسافرت را
داده اند
یلدا در راه است
کرسی را به پا کن
نرگس جان!
باغ را برایش بچین
ظرف انار را بیاور
مجالست
برای منتظر نشستنی زیبا
آمدن یلدا
نوید تولد خورشید است
#کوتر خسروی

شب یلدا آخرین دلبری پاییز است
شبی که اگرچه فقط یک دقیقه فرصت با هم بودن هامون
بیشتره ..
اما چقد پر شوکت و شکوهمنده ..
لذت حقیقی و مجازی این آیین عشقی دیرینه که ریشه در
روزگاران کهن داره
ریشه در جهان باستان داره !
همگی کنار هم هستیم!
قدر همو بدونیم و واسه هر ثانیه کنار هم بودنمون ارزش
قائل باشیم



یلدا در آینه ی دانشجو



من نمیدانم
امشب چه شبی ست؟
کودکی را دیدم
در میان گذر ثانیه ها
فال حافظ در دست
نغمه ای سر می داد
مردمی
سردتر از
دست تمنای پسر
پسری آن سوتر
خنده بربل، شادان
در طلب دست پدر
کودکی فقر به دوش
دست ها
در طلب تکه ی نانی هرسو
و چه شادان این یک
و چه غمگین آن دو
سرخي سفره تنهایی اشان را
دیدم
لکه ی سرخ انار
سرخي از سرما
تق تق آجیل و دندانش
جایی
تق تق لرزه سرما ، جایی
دو لپ سرخ پسر
در سرما
و هر از گاهی
خنده ای از سر جبر
و نگاهی پر ذوق
فال را دیدم
حافظ هم
انجا بود
بی صدا بود و
گریست
من نمیدانم
امشب چه شبی ست
لیک گويا
این شب
شب سردی ست
سیاه
شب سردی ست دراز
لیک امشب یلداست!
#حسین فخریان

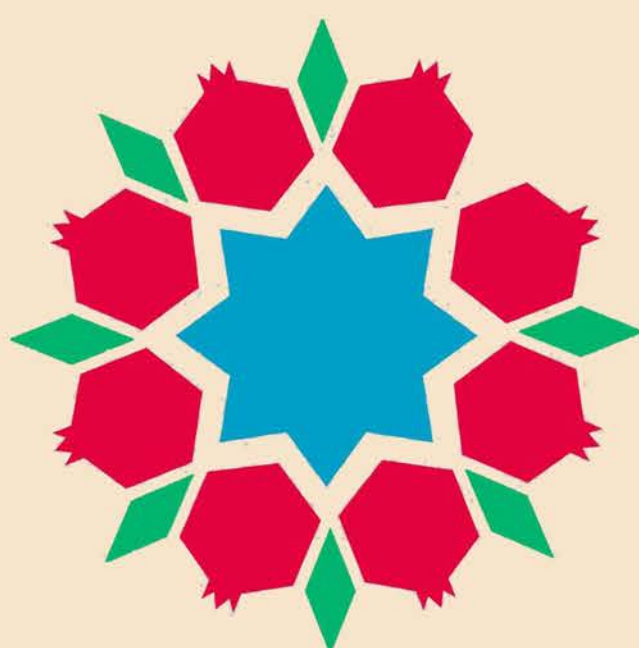
لابلای برگ های سرخ و زرد خیابان ها
صدای نجوای آرام یلدای خوابیده در
زمستان به گوش میرسد- یلدای که با
خود شبی بلند را هدیه می آورد تا ماه
و ستارگان وقت بیشتری برای بازیگوشی
و رقص داشته باشند.
آخرین شب پاییز آمد، پیاله های
چای، دانه های شیرین انار، صفحه های
دلنشین فال حافظ با آن حاشیه های
اسلیمی، خاطراتیست که برایش
میمیرم- همین که یار باشدو چای
باشدو یک انار کافیست که برایش
شعری از حافظ بخوانم.

حال و هوای امشب به کام من شد
یلدای عاشق به نام من شد
با یک غزل از حافظ و تعبیر های آشنا
چله خوش قول میهمان خوان من شد

#امین ابراهیمی

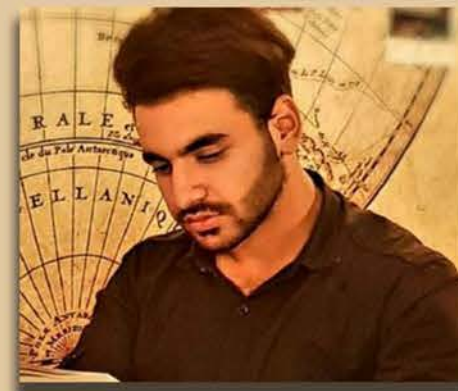
در امتدادی در مسیر سرد پاییز ،
در انتهای کوچه ای از ماه آذر
در یک قدم مانده به یلدای گوارا
هنگامه ای
پشت سرش
یک برگ ریزان
رقصان
پریشان شاخه هارا
می نوازد
امشب
تمام برگ ها
باشاخه هاشان
امشب
درختان با درختان
در یک وداع سخت
درگیرند
امشب تمام برگ ها
بر شاخه می میرند
امشب
بلندای درختان لخت
بلندای درختان سرد
نگاه اهرمن
بر شاخه ها خیره ست
امشب هوا تیره ست
از پشت طولانی ترین اندوه
خورشید خواهد رسید
فردا طلوع تازه ای
از راه می آید
حتی اگر کم سو
فردا طلوع تازه
درا راه است

#محمد رضا کاوه





یلدا در آینه ی دانشجو



به نام آفریننده عشق

"با برداشتی آزاد از حضرت
حافظ
و به نیت تقال از حافظ
جان"

خوشا یلدا و وصف بی
مثالش
خداوندا مخواه ، هرگز
زوالش

شب یلدا شب جشن
وسروراست

بویژه آنکه در شهر شمالش
در آن شب حافظ و دلدادگی
هاش

غزلخوانی و اوج حس و حالش
به نام تو تفالم عین عشق
است

که پنهان مانده در تکرار،
فالش

یلدا مبارک

#سید مهدی گلپیر آزاد

صدای تیک تاک ساعت را می شنوی...؟
لحظه به لحظه به یلدا نزدیک تر می شویم...
به انتهای خیابان آذر...
به شروع سرد دی...

زمستان در این شب عاشقانه می خواهد به
استقبال پاییز بیاید و از او خداحافظی کنند...
و دقیقه ای بیشتر با اون باشد...
پاییز چمدان در دست گرفته و عازم رفتن
است...

آسمان با دیدن این صحنه عاشقانه بغض کرده
و می خواهد ببارد...
عروس فصل ها با لباس سفیدش در راه است...
یلدا یعنی یادمان باشد زندگی آنقدر کوتاه
است...

که یک دقیقه را نیز نباید از دست داد... زیرا با
هر دقیقه می توان یک فرصت جدید در زندگی
به وجود آورد...

لبتان مانند پسته شب یلدا خندان و دلتان
شاد...

و زندگیتان به شیرینی هندوانه و دور از تلخی...
یلدا مبارک...

#مهدی صابر صالحی

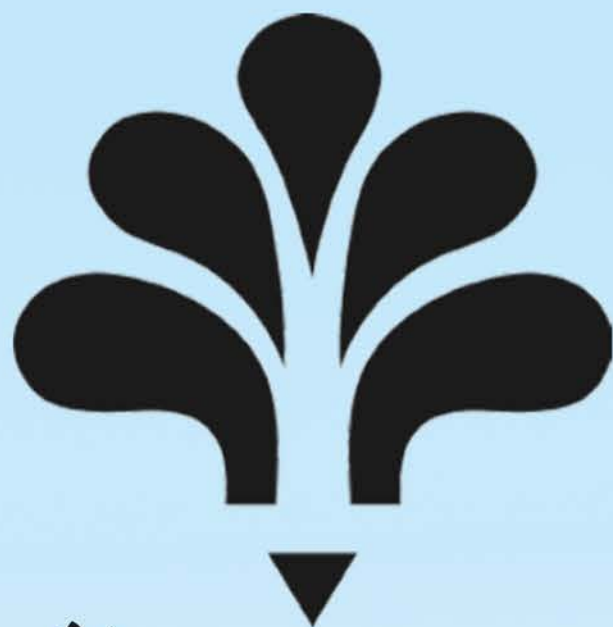
یلدا با پای خسته
رسید از راه
در زادروز مهر
پر از لبخند ،
در طولانی ترین شب سال
شب پر از سرما
که میزبانش
دل های ماست
تپنده به عشقی
که پراز مهر و گرماست

یلدا را به گرمی پاس
بداریم تا روشنایی در دل
هایمان پدیدار شود.
یلدا آغازی گرم و پر از
شادی در نزدیکی فصلی
سپید و سرد .
یلدایتان پر از گرما و
لبخند

#صالح اسماعیل زاده

یلدا مبارک





موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و دانشجویی

مبارک
یادها

